

## Explanation and analysis of mechanism for the formation of urbanism in the Sasanian Empire (224-651 AD)

Rouholah Khosravi Nejad<sup>1</sup>  | soheyla torabifarsani<sup>2</sup>  | Esmail Sangari<sup>3</sup> 

1. Ph.D. Student, Department of History, Humanities Faculty, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.. E-mail: [khosravinejad@gmail.com](mailto:khosravinejad@gmail.com)

2. Corresponding Author, Associate Professor. Department of History, Humanities Faculty, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran: [tfarsani@yahoo.com](mailto:tfarsani@yahoo.com)

3. Associate Professor, Department of History, Humanities and Literature faculty, Ancient History, Languages and Civilizations at the University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: [e.sangari@ltr.ui.ac.ir](mailto:e.sangari@ltr.ui.ac.ir)

### Article Info

### ABSTRACT

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received: 9Febr2021

Received in revised

form:14 Aug2021

Accepted:23 Aug2021

Published online: 23Oct2021

#### Keywords:

Sasanian,  
Urban Development,  
Governance,  
Waterworks.

Sasanian urban development has been continually received a lot of interest from the Sasanian kings and its importance can be realized by the naming of many current cities which still bear the names of some kings of this dynasty. The establishment and naming of cities based on a composition of the king's name or Iran with the term "Farr(ah)" indicate their national and religious tendencies and efforts to prove their own legitimacy. This study aimed to find appropriate answers for this question using library resources through a descriptive-analytical methodology that what are the effective factors for the mechanism of forming Sasanian urban development. The findings of this research demonstrated that the competition with claimants of the throne and defense of the state borders played important roles in the appearance of cities combined with demographic factors and the construction of water structures. These factors showed an interactive relationship with each other and also the formation of cities, as sometimes the construction of water structures made possible building a new city, and sometimes deporting populations provided the opportunity for habituation and construction of water structures, and consequently, the development of cities along the route of these structures, for example, in the central plateau of Iran.

**Cite this article** Khosravi Nejad Rouholah& soheyla torabifarsani&Esmail Sangari. (2022). Title of paper. *Journal of Historical Researches of Iran and Islam*.vol 15No 29 pags.187-213.

. DOI: [10.22111/JHR.2021.36448.2982](https://doi.org/10.22111/JHR.2021.36448.2982)

© The Author(s). Rouholah Khosravi Nejad; soheyla torabifarsani; Esmail Sangari

Publisher: University of Sistan and Baluchestan



DOI: [10.22111/JHR.2021.36448.2982](https://doi.org/10.22111/JHR.2021.36448.2982)

## تبیین و تحلیل سازوکار شکل‌گیری شهرسازی در شاهنشاهی ساسانی (651-224 م.)

روح اله خسروی نژاد،<sup>1</sup> | سهیلا ترابی فارسانی،<sup>2</sup> | اسماعیل سنگاری،<sup>3</sup>

1. دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. :: [r.khosravinejad@gmail.com](mailto:r.khosravinejad@gmail.com)

2. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. :: [tfarsani@yahoo.com](mailto:tfarsani@yahoo.com)

3. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. :: [e.sangari@ltr.ui.ac.ir](mailto:e.sangari@ltr.ui.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	شهرسازی در دوره ساسانی همواره مورد توجه پادشاهان این سلسله بوده و اهمیت آن را می‌توان از نام بسیاری از شهرهای کنونی دریافت که هنوز نام برخی از پادشاهان این سلسله را بر خود دارند. ساخت و نام‌گذاری شهرها با ترکیبی از نام پادشاه یا ایران با کلمه فرّه، گویای گرایش‌های ملی و مذهبی آن‌ها و تلاش برای اثبات مشروعیت خویش است. این پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که چه عواملی بر سازوکار شکل‌گیری شهرسازی در دوره ساسانی مؤثر بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که عوامل جمعیت‌شناختی، ساخت سازه‌های آبی، دفاع از مرزهای کشور و همچنین مقابله با مدعیان سلطنت از عوامل شکل‌گیری شهرهای ساسانی محسوب می‌شوند. این عوامل با یکدیگر و با شکل‌گیری شهرها رابطه تعاملی داشته‌اند، به‌گونه‌ای که گاهی ایجاد سازه‌های آبی ساخت شهر جدید را میسر می‌نمود و گاهی همانند فلات مرکزی ایران، انتقال جمعیت، امکان آبادانی و ساخت سازه‌های آبی و در نتیجه گسترش شهرها در مسیر این سازه‌ها را فراهم می‌کرد.
تاریخ دریافت: 1399/11/21	
تاریخ بازنگری: 1400/05/23	
تاریخ پذیرش: 1400/06/01	
تاریخ نشر آنلاین: 1400/08/01	
واژه‌های کلیدی: ساسانیان شهرسازی، کشورداری، سازه‌های آبی.	

استناد: خسروی نژاد، روح اله، ترابی فارسانی، سهیلا، و سنگاری، اسماعیل (1400). تبیین و تحلیل سازوکار شکل‌گیری شهرسازی در شاهنشاهی ساسانی (224-

651 م.). پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، 29 (1)، ص. 187-213

DOI: [10.22111/JHR.2021.36448.2982](https://doi.org/10.22111/JHR.2021.36448.2982).

## مقدمه

در آغاز شکل‌گیری شهرنشینی در ایران، شهرها بیشتر برای تأمین اهداف نظامی بنا شده، نهادی سیاسی-اداری محسوب می‌شدند. به تدریج با گسترش قلمرو پادشاهی ایران در ادوار مختلف، نقش و عملکرد شهرها نیز توسعه یافت و بنا به موقعیت و نقش خود به‌عنوان سازمانی سیاسی-اداری بر زندگی اجتماعی ایرانیان تأثیرگذار بوده و از جنبه‌های مختلف جامعه ایرانی نیز تأثیر پذیرفتند (تصویر 1). شهرهای ایران همگام با توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور تکامل یافتند که ساختار و ویژگی‌های کلی آن را چهارچوب نظام اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه ایرانی تعیین می‌کرد و برگرفته از جهان‌بینی و سنت ایرانیان بود. ساسانیان به‌عنوان آخرین سلسله پادشاهی ایران باستان، وارثان این نظام شهرنشینی شدند که شهرسازی آنان با تکامل در ادوار مختلف، ویژگی‌های منحصر به فردی به خود گرفته بود. نطفه اصلی شکل‌گیری دولت ساسانی با قیام اردشیر بابکان در شهر دارابگرد بسته شد و به همین دلیل در دوره ساسانیان، شهر پایه نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌گردد (حبیبی، 1397: 28-29). شکل و سیمای شهر ساسانی در واقع نظم اجتماعی و مناسبات اقتصادی جامعه ایران را در آن دوران بازتاب می‌دهد (تصویر 2). شهر دوره ساسانی حاصل تکامل الگوی شهر کهن ایرانی بود که بر اساس خصوصیات نواحی مختلف در سراسر قلمرو ایران گسترش یافت، ولی در همه‌جا کم‌وبیش یکسان بود (اشرف، 1353: 9).

کتیبه شاپور اول در نقش رستم نزدیک آرامگاه‌های شاهنشاهان هخامنشی که به کتیبه کعبه زردشت نامور است، حاوی مطالب مهم تاریخی، به‌ویژه در مورد شهرهای مختلف قلمرو پادشاهی است. در این کتیبه تقسیمات کشور شاهنشاهی به استان‌ها و مراکز اداری مختلف مذکور است که اعضای خاندان شاهی در رأس حاکمیت این استان‌ها و مراکز قرار گرفته‌اند (پیگولو سکایا، 1387: 154-156). سنت شهرسازی توسط پادشاهان نخستین ساسانی نهاد شد، ولی بنای شهرها با حضور پادشاهان مقتدر افزایش می‌یافت و با کاهش اقتدار پادشاهان، از روند احداث شهرها کاسته می‌شد. برای مثال در دوره زمانی پس از شاپور دوم تا قباد اول، روند شهرسازی که پایگاه اجتماعی و

طبقاتی پادشاهان به شمار می‌رفت، سیر نزولی داشت (سلطان‌زاده، 1390: 50-51). بدین ترتیب تدابیر ساسانیان در رابطه با شهرسازی متغیر و تابعی از عوامل مختلف بوده است که شاهنشاهان ساسانی با بنا یا تغییر نام شهرها و گماردن نمایندگان خود بر آنها، سازمان‌دهی سیاسی جدید ایران را دنبال می‌کردند و این پژوهش بر آن است نحوه شکل‌گیری شهرهای ساسانی را در رابطه‌ای نظام‌مند با نیازهای کشورداری آنان تبیین و تحلیل نماید و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شهرها را روشن نماید.

موضوع شهرهای ساسانی در آثار نویسندگان مختلف به صورت پراکنده، بدون بررسی و تحلیل آنها و در رابطه با علل شکل‌گیری آنها مورد بحث قرار گرفته است. از جمله پیگولوسکایا در کتاب شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، با بررسی جوانب متنوع تاریخ و فرهنگ ایران در سده‌های سوم تا پنجم میلادی، ویژگی شهرها و نقش آنها را در اقتصاد و نظام سیاسی کشور بیان می‌کند. کتاب شهرهای ساسانی اثر مهرآفرین نیز به ذکر نام شهرها و چگونگی احداث آنها و همچنین مفهوم و جایگاه شهر در نزد پادشاهان ساسانی، عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهرها و شکل شهرهای ساسانی پرداخته است. پژوهش پیش رو با تکیه بر سیاست شهرسازی ساسانیان، به سازوکار شکل‌گیری شهرها با در نظر گرفتن تحولات سیاسی و اجتماعی می‌پردازد که می‌تواند آن را از پژوهش‌های پیشین متفاوت سازد. همچنین در نظر گرفتن سازه‌های آبی و عوامل جمعیت‌شناختی به‌عنوان عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهرهای ساسانی دیگر وجه تمایز این پژوهش است.

## 1. شکل‌گیری شهرهای ساسانی

دوران آغازین سلسله ساسانی را می‌توان دنیایی درگیر بحران هویتی دانست که تلاش‌های ویژه‌ای به خصوص توسط اردشیر اول و شاپور اول و شاپور اول برای خلق هویت جدید صورت گرفت و ایدئولوژی‌های سیاسی-اجتماعی محدود دوران اشکانیان، بتدریج جای خود را به مفاهیم انتزاعی مانند مذهب و نهادهای ایدئولوژیک دیگر دادند (دریایی و رضاخانی، 1397: 45-46). اولین و قدرتمندترین بیان

ساسانیان از این مفاهیم نقش برجسته اردشیر اول در نقش رستم است که پیروزی اردشیر بر اردوان اشکانی، در واقع بیانگر پالودن هستی از رقیبان و بازگشت به کشور یکپارچه است (Canepa, 2009: 59-60). تحولات سیاسی-اجتماعی شتابانی که در حال انجام بود، شاهان ساسانی را با ضرورت سازماندهی و تجدیدنظر در الگوی اداری-سیاسی موجود مواجه کرد که به بروز تغییر در نظام شهری ایران انجامید (یوسفی‌فر، 1390: 67). در واقع، بنای شهرها وسیله‌ای برای تحت کنترل درآوردن تمام کشور توسط پادشاهان ساسانی بود و نفوذ آنها در شهرها افزایش یافت (Pourshariati, 2008: 38). شهرها توسط نظام یکپارچه اداری تحت نظارت شهرها و دولت مرکزی قرار گرفتند که این امر موجب گسترش شهرهای شاهی و از میان رفتن شهرهای آزاد گردید (لوکونین، 1393: 123). بدین ترتیب بنا نهادن شهرهای جدید و احیای شهرهای کهن از جمله اهداف ساسانیان در خلق ایرانی جدید بود. منابع فارسی میانه و بعدها اسلامی از شهرهای بسیاری نام می‌برند که پادشاهان این سلسله بنا یا بازسازی کردند که علاقه شدید شاهنشاهان ساسانی را به شهرسازی نشان می‌دهند، ولی در عین حال می‌توان این امر را ناشی از نیازهای سیاسی و اجتماعی کشور و اقتضای زمان دانست (تصویر 3)

### 1-1. تمرکز قدرت و رقابت با مدعیان

اردشیر پس از رسیدن به مقام ارگبد دارا بگرد، نبرد خود با شاهان محلی را آغاز می‌کند و بدین وسیله منابع و ثروت لازم را برای ساخت شهرها و گسترش سلطه خویش بر ایران به دست می‌آورد. می‌توان از مناطقی با نام چوپانان، کونس و لرویر و گنج‌های افسانه‌ای شاهی با نام ایتنبود در کرانه‌های دریای فارس (طبری، 1383: 581-582) یاد کرد که ظاهراً اردشیر برای یکپارچه‌ساختن ایران، نود تن (اصفهانی، 1346: 44) از این شاهان محلی را از میان برداشته و قلمرو ایشان را به گماشتگان خود سپرده است. افزون بر این، نارضایتی در برخی از شهرها و پیوستن بزرگان به او، به حدی موجب آرامش خاطر اردشیر می‌شود که او روستای رام‌اردشیر را در محلی بنا می‌کند که مردی به نام بوناک از اصفهان، با شش پسر و سپاه انبوه خود نزد اردشیر آمده، سوگند وفاداری می‌خورد (کارنامه اردشیر

بابکان، 1369: 186). ظاهراً شهرهای جنوبی و جنوب شرقی ایران قبل از نبرد اردشیر با اردوان همگی تحت فرمان او بوده‌اند و این نکته از آن‌جا آشکار می‌شود که با بنای اردشیرخوره (تصویر 4) در دشت فیروزآباد کنونی سپاهیانی از کرمان، مکران و پارس در این شهر مستقر شدند (کارنامه‌اردشیر بابکان، 1369: 187-191). پس از آن اردشیر توانست شهر اهواز در قلمرو شاهان محلی الیمائی را از دست آخرین شاه جدایی‌طلب الومایس به نام ارد خارج سازد (سلوود، 1392: 412). هر چند به نظر می‌رسد بنای شهر به دوران قبل از اردشیر باز می‌گردد، ولی در منابع آمده که اهواز را اردشیر ساخته و نام آن را هرمزاردشیر گذاشت (طبری، 1383: 583). در متون پهلوی نام این شهر به صورت هرمز اردشیران و در متون سریانی به صورت رام هرمز آمده که این امر باعث شده برخی از محققان بنای این شهر را به هرمز اول نوه او نسبت دهند (پیگولو سکایا، 1387: 224-225). در این مورد نمی‌توان نظر قطعی ارائه داد.

اقدام بعدی اردشیر به منظور تقویت توان دفاعی پایتخت جدید و همچنین بدست آوردن منابع مالی بیشتر، حرکت در مسیر جاده ادویه به سوی شهرهای خارا سن در ایالت میشان و رأس خلیج فارس بود. اردشیر بابکان پس از کشتن بند و آخرین فرمانروای میشان و تصرف آنجا، شهر کرخ میسان را بنا می‌کند (طبری، 1383: 583). سپس نام شهرهای عمده این منطقه را با نام‌های خاراکس و فرات (نزدیک بصره) به ترتیب به استرآباد اردشیر و بهمن اردشیر تغییر می‌دهد تا بدین‌گونه خود را به عنوان فرمانروای جدید معرفی نماید و سلطه خود را تثبیت کند (Christensen, 2019: 68). شهر دیگری که او در این ناحیه بنا کرد، وهشت اردشیر نام داشت (اصفهانی، 1346: 45). همچنین به منظور امنیت و تسلط بر کرانه‌های خلیج فارس و استان مزون که امتداد آن تا تنگه هرمز می‌رسید، شهر پتیات اردشیر/ بتن اردشیر را در ناحیه قطیف بنا کرد (برونر، 1393: 161). طبری این نام را فسا اردشیر ضبط کرده و می‌گوید که همان شهر خط در بحرین بوده است (طبری، 1383: 585). بدین ترتیب نظارت اردشیر بر سواحل خلیج فارس و راه‌های بازرگانی آن کامل می‌شود. به نظر می‌رسد که تصرف مناطق اقتصادی یکی از دغدغه‌های پادشاهان ساسانی برای رشد اقتصادی شهرها از

طریق ایجاد و حفظ امنیت آن‌ها بوده است (Gyselen, 1997: 106). بدین‌گونه اردشیر اول پس از کنارزدن قدرت‌های محلی در مرکز و جنوب ایران برای گسترش سلطه سیاسی خویش به سمت مرزهای غربی و مرکز شاهنشاهی اشکانیان یعنی منطقه عراق و میان‌رودان حرکت می‌کند.

با توجه به اهمیت تاریخی این منطقه، اردشیر همچنان تیسفون را به عنوان مرکز پادشاهی خویش برگزید و بر کرانه غربی دجله، شهر وهاردشیر را بنا کرد (طبری، 1383: 584؛ شهرستان‌های ایران‌شهر، 1388: 87). این شهر در محل سلوکیه قدیم بنا شده بود و باغ شاهی و ضرابخانه‌ای که در آن ساخته شد از اهمیت اقتصادی آن خبر می‌دهد (برونز، 1393: 163). منابع از شهر دیگری با همین نام یعنی وهاردشیر/بهاردشیر یاد می‌کنند که در کرمان بوده و به عربی آن را بردشیر/بردسیر می‌گفتند (اصفهانی، 1346: 45). شهر دیگری که او نزدیک موصل ساخت، بوداردشیر نام گرفت (طبری، 1383: 585). به نظر می‌رسد اردشیر همراه با گسترش تسلط خود احیای مراکز شهری کهن را به منظور اهمیت‌یابی مجدد و استفاده از ظرفیت‌های طبیعی آنان در جهت رشد مناسبات اقتصادی-اجتماعی در دستور کار خویش قرار داده بود. با توسعه این منطقه توسط شاهان بعدی، سرانجام این مجموعه شامل هفت شهر شد و مطمئناً هدف یک برنامه جامع شهرنشینی گردید (Christensen, 2016: 67-68).

پس از فعالیت‌های اردشیر در مرکز و غرب ایران، لازم بود تا وی شاهان شرقی را نیز مطیع خود سازد. شکست پادشاهی هند و پارتی در سیستان، به لقب شاهنشاه برای او، معنی کامل‌تری داد (دریایی و رضاخانی، 1397: 70). ساخت شهر زرنگ در این منطقه توسط اردشیر توجه خاص او را به شرق نشان می‌دهد (شهرستان‌های ایران‌شهر، 1388: 40). پس از نبردهای اردشیر بابلکان، حاکمان ایالات و شهرها کاملاً تحت تسلط شاهنشاهان ساسانی قرار گرفتند و در هیچ‌یک از نقش برجسته‌های این دوره، تاج‌گیری یک شاه محلی از شاهنشاه به چشم نمی‌خورد (لوکونین، 1393: 134). در کتیبه کعبه زردشت شاپور نام برخی از شاهزادگان که به حکومت ایالات و شهرها منصوب شده بودند آمده است، برای مثال هرمزد اردشیر پسر شاپور، شاه ارمنیه یا نرسه پسر شاپور، شاه هند و

سکستان (عریان، 1392: 82). این شواهد نشان می‌دهند که در روزگار شاپور اول فرآیند تمرکز قدرت در ایران شکل گرفته بود و علاوه بر گسترش زمین‌های شاهی، حکومت شهرها در دست شهرهای بلند پایه حکومتی قرار گرفت (لوکونین، 1393: 122-123).

سیاست تمرکزگرایی ساسانیان مستلزم دسترسی سریع و آسان به مناطق مختلف امپراتوری بود و به همین دلیل برای عبور از راه نصیبین به حلوان از شمال آدیابنه، شاپور اول شهر پیروزشاپور را بازسازی کرد (برونز، 1393: 166). او شهر بزرگ دیگری در کنار راه شوش به فارس بازسازی و نام آن را ویه‌آنتیوخ شاپور گذاشت (شهرستان‌های ایرانشهر، 1388: 84). شهر بیشاپور در استان فارس بنای دیگری از دوران شاپور اول است (اصفهانی، 1346: 46). بیشاپور در میان راه دو شهر بزرگ دوران ساسانی یعنی اردشیرخوره و شوش قرار داشت و جاده‌ای دیگر آن را به شیراز متصل می‌کرد (گروسی، 1388: 18). هر چند در مورد مؤسس رامهرمز بین مورخان اختلاف نظر وجود دارد ولی بر طبق گفته طبری و یعقوبی، هرمزد اول که قبل از رسیدن به پادشاهی ابتدا حاکم ارمنستان و سپس خراسان شده بود، پس از لیاقتی که از خود در کنترل ایالات مذکور نشان داد، به منظور گسترش سلطه خود، شهر رامهرمز در خوزستان را بنا کرد (طبری، 1383: 595؛ یعقوبی، 1382: 197). بنای دسکرت‌الملک یا دستکرت شاهی نیز به او نسبت داده می‌شود (اصفهانی، 1346: 47؛ ثعالبی، 1368: 316). ظاهراً این بنا نیز جهت برقراری ارتباط بین شهرها بوده و موقعیت آن بر سر راه تیسفون به همدان بود (پیگولو سکایا، 1387: 288). ذکر فهرست کاملی از مقامات مانند شهرها و صاحب‌منصبان مختلف در کتیبه پایکولی شاهنشاه نرسه را می‌توان نتیجه توسعه مراکز شهری و مدیریت مرکزی دانست (Shaki, 1992: 655). همچنین نام‌بردن از مناطق خودمختار دیگر در کنار لقب شاهنشاه، مانند بهرام سوم به عنوان شاه سکاها و کوشانیان، نشان از تمرکز قدرت در دست شاهنشاه ساسانی است که او در رأس همه مراتب قرار دارد و در واقع سلطنت شاپور دوم نقطه شروع آرمان تمرکز قدرت و مرکزیت شاهنشاهی ساسانی است (دریایی و رضاخانی، 1397: 55-53). احتمالاً سی سال نخست سلطنت شاپور دوم، صرف مطیع‌ساختن شهرداران و واسپوهرانی شده بود که



در زمان کودکی او قدرت گرفته بودند (کریستن‌سن، 1368: 328). برای نمونه، او شهر شوش را به طور کامل ویران کرد و مجدداً آن را با نام ایران خوره شاپور بنا کرد (کریستن‌سن، 1368: 348). ذکر اقدامات شهرسازی ساسانیان در منابع در بازه زمانی پس از شاپور دوم تا سلطنت قباد اول به طور محسوسی کاهش می‌یابد که نتیجه آشفته‌گی سیاسی و فقدان اقتدار شاهنشاهان بود. متوسل شدن بهرام پنجم ملقب به گور به نعمان بن منذر پادشاه حیره برای دستیابی به تاج و تخت نمونه‌ای از آن است (طبری، 1383: 618).

تنها کار قابل ذکر بهرام چهارم، بنای شهر کرمانشاه بود و این نام به این دلیل بود که او پیش از رسیدن به سلطنت حاکم کرمان بود (ثعالبی، 1368: 345). بهرام پنجم برای بزرگداشت پیروزی خویش بر دیلمیان و حفظ امنیت منطقه شهر فیروز بهرام را در آن منطقه بنا کرد (ابن‌اثیر، 1383: 471). یعقوبی بیان می‌کند که بهرام گور در آباد کردن شهرها کوشش‌هایی انجام داده است (یعقوبی، 1382: 200). شهر دیگری با نام اشگر، به دست او ساخته شده، ولی مکانش نامعلوم است (شهرستان‌های ایران‌شهر، 1388: 41). شاهنشاه پیروز که بیشتر سال‌های پادشاهی خود را صرف آرام ساختن مرزهای شرقی کشور و نبرد با هپتالیان کرد، در ناحیه جنوبی دریای خزر احتمالاً برای کنترل بیشتر بر مناطق دیلمی، شهری با نام رام‌فیروز ساخت (ثعالبی، 1368: 371). گفته شده که او در شمال بغداد نیز به منظور حفاظت بیشتر از پایتخت، در نزدیکی سامرا شهر کرخ فیروز و بناهای مستحکم برآورد (Christensen, 2016: 69). جانشین او بلاش، شهر بلاش‌آباد در نزدیکی مدائن را بنا کرد که با نام ساباط مشهور است (طبری، 1383: 637).

تلاش‌های ساسانیان برای تمرکز بخشیدن به قدرت و دسترسی هر چه سریع‌تر به مناطق مختلف امپراتوری دوباره در سده‌های پنجم و ششم میلادی و با به تخت نشستن پادشاهان قدرتمند رونق می‌گیرد. قباد اول شهر مستحکم حلوان را در مسیر گذر از میان‌رودان به کوهستان‌ها (نزدیک سر پل ذهاب امروزی) بنا کرد (Christensen, 2016: 71). نام این شهر در برخی منابع ایران آسان کرد کواد (شهرستان‌های ایران‌شهر، 1388: 41) و در برخی دیگر از آن با نام ایران شادقباد یاد می‌کنند

(اصفهانی، 1346: 54). ویرانه‌های بی شمار پل‌ها در این منطقه گواهی تلاش‌های سا سانیان برای سهولت بخشیدن و کنترل آمدوشد در امتداد جاده مهم استراتژیکی خراسان است (Christensen, 2016: 71). هنگامی که قباد اول عازم جنگ با هیاطله بود شهر قم توسط او تجدید بنا شد و از آن پس ویران‌آبادان کردکواد نام گرفت (قمی، 1361: 24). ظاهراً او در دوره‌ای از سلطنتش که با آرامش و ثبات همراه بود توانست شهرهای دیگری نیز بنیاد کند، از جمله شهر قبادخوره در استان فارس و این سوای کارهای عمرانی دیگر او مانند ساختن راه‌ها و پل‌هاست (طبری، 1383: 639). او در استان فارس شهر دیگری نیز با نام، به‌ازامیدقباد، ساخت که بعدها ازجان نام گرفت و همچنین در منطقه مهم و استراتژیکی میان‌رودان و نزدیک تیسفون شهر هنبوشاپور را برآورد (اصفهانی، 1346: 55). در زمان خسرو انوشیروان دو شهر خسروشادهرمز و بازیگان در مسیر راهی قدیمی و بسیار مهم بنا شد که از تیسفون به استان ماه در ماد قدیم می‌رسید و برای جابه‌جایی سپاهیان، کارمندان دولت و درباریان بسیار مفید بوده و حتی ابریشم نیز از همین راه وارد میان‌رودان می‌شد (برونر، 1393: 163). افزون بر شهرهایی که شاهنشاهان ساسانی برای گسترش و بسط قدرت خویش بر سراسر امپراتوری بنا می‌کردند، گاهی عوامل خارجی و تأثیرگذار مانند تهاجم بیگانگان ضرورت‌هایی را برای بنای شهرهایی خاص ایجاب می‌کرد.

## 1-2. هجوم بیگانگان

امپراتوری ساسانی به دلیل وجود مرزهای آبی در جنوب تقریباً از تهاجمات مصون بود و به طور عمده از جانب مرزهای غربی توسط رومیان و اعراب و از جانب مرزهای شرقی و شمالی توسط اقوام صحراگرد به‌ویژه هپتالیان و خزرها مورد تهاجم قرار می‌گرفت و شاهنشاهان ساسانی برای مقابله با این تهاجمات استحکامات و شهرهایی را در این مناطق تأسیس کردند. در غرب امپراتوری احتمالاً تصرف شهر تجاری مهم هاترا توسط اردشیر اول، مهم‌ترین رویدادی بود که رومیان را برانگیخت تا به ضد حملاتی در این نواحی دست یازند (فرای، 1392: 225). بدین ترتیب در دوران شاپور اول ملاحظات نظامی نقش کلیدی در تأسیس شهرها ایفا می‌کنند و او برای بزرگداشت پیروزی‌هایش بر

رومی‌ها در سال 243/244 م. روستای مشیک در کنار فرات (شمال فلوجه) را به پیروز شاپور تغییر نام داد که از نام عربی آن الانبار یعنی انبار مهمات مشخص می‌شود که این شهر پایگاهی مهم برای حملات ساسانیان و دفاع از میان‌رودان بوده است (Christensen, 2016: 68). در واقع داشتن استحکامات دفاعی پیشرفته و سربازخانه‌های بزرگ، ویژگی اصلی شهرهای ساسانی بودند که بر سر راه‌های استراتژیک بنا می‌شدند تا مانع از نفوذ دشمنان به داخل کشور شوند (هاوارد-جانستون، 1392: 159). شاپور اول در قلب ایرانشهر و مغرب فرات شهری به نام حیره بنا می‌کند تا مانع از دست اندازی‌های تازیان صحراگرد شود. این شهر هم برای رفت‌وآمدهای بازرگانی کنار فرات سودمند بود و هم برای جابه‌جایی سپاهیان مرزی (برونر، 1393: 162).

در زمان پادشاهی شاپور دوم، وی برای تقویت خط دفاعی در برابر رومیان شهر خنی‌شاپور را در نزدیکی کرکوک امروزی بنا کرد (طبری، 1383: 601). شاپور دوم همچنین رشته‌ای از استحکامات به نام خندق شاپور در کران بیابان ساخت تا سدی در برابر اعراب بیابان به‌ویژه اعراب متحد دولت روم باشد (فرای، 1392: 238). این موانع علاوه بر جنبه دفاعی آن‌ها، باعث افزایش نظارت ساسانیان بر محل‌های استراتژیک می‌شد. بنای شهر ایوان کرخه توسط شاپور دوم واقع در غرب کرخه امروزی، برای مقابله با هجوم اعرابی بود که در مجاورت دشت‌ها و باتلاق‌های جنوب عراق می‌زیستند (آلت‌هایم و اشتیل، 1391: 26). تیسفون پایتخت ساسانیان نیز به راحتی از طریق پیمودن مسیر دجله در معرض تهاجم دشمنان قرار داشت، به این سبب برخی از شاهان ساسانی شهرهایی را دور از این منطقه بنا و دربار خود را در آن مستقر کردند (فرای، 1392: 222). از جمله شهر دستگرد ساخته هر مزد اول که در شاهنشاهی خسرو اول و خسرو دوم اهمیت فراوان یافته، حتی یک کاخ و دژ در آنجا توسط خسرو اول ساخته شد و نام آن به خسرو شادقباد تغییر یافت (برونر، 1393: 163). در شرق، هجوم اقوام صحراگرد از طرف مرزهای شرقی و شمال‌شرقی موجب پدید آمدن شهرها و ساختمان‌های بزرگ دفاعی در این مناطق گردید، مانند استحکاماتی که اردشیر بابکان در ناحیه آبادان و پروتق بادغیس به وجود آورد. این ناحیه بر سر راه استراتژیک هرات به مرو قرار داشت و هدف از ساختن آن‌ها امنیت بخشیدن به راه‌ها بود (برونر، 1393: 177).

شاپوراول به دلیل موقعیت ویژه استان خراسان در دفاع از مرزهای شرقی کشور، شهرهایی را مانند نیشابور در این ناحیه بنا کرد (اصفهانی، 1346: 46؛ ابن‌اثیر، 1383: 449). ظاهراً این شهر در محلی بنا شد که یکی از مهاجمان به مرزهای شرقی ایران به نام پهللیزک تورانی به دست او کشته شد (شهرستان‌های ایران‌شهر، 1388: 38). نیشابور پایگاه اصلی برای مقابله با حملاتی بود که از آسیای مرکزی و مناطق تورانی صورت می‌گرفت و محل تجمع سواره نظام زبده ساسانی بوده است (فرخ، 1392: 89). جای گرفتن آتش برزین مهر در ریوند نزدیک نیشابور نشان می‌دهد که تاخت و تازهای صحراگردان به این نواحی به خوبی کنترل شده است. همچنین بنا یا بازسازی شهر پوشنگ در این ناحیه به شاپوراول نسبت داده می‌شود (برونر، 1393: 176). شرقی‌ترین شهرها یعنی شاپورگان و انبار در امتداد جاده‌هایی بودند که از طالقان به بلخ می‌آمد و احتمالاً در سده‌های سوم یا چهارم میلادی ساخته شدند. بدین ترتیب ساسانیان جریان بازرگانی را به غرب هدایت می‌کردند و به منظور تقویت موقعیت خویش شهر کوشانی کاپیسه را ویران و احتمالاً در نزدیکی آن یا جلال‌آباد شهر جاویدشاپور را ساختند (برونر، 1393: 178-179). شهر انبار در یک منزلی جنوب شاپورگان محل ذخیره تسلیحات نظامی به منظور حفاظت از مرزهای شرقی بوده است (نفیسی، 1388: 276). شاپور دوم نیز به مرزهای شرقی ایران توجه ویژه داشت. برخی منابع بنای شهر نیشابور را به او نسبت می‌دهند (مسعودی، 1382: 255؛ ابن‌اثیر، 1383: 460).

پس از شاپوردوم مجدداً مرزهای شرقی دستخوش ناآرامی شد. یزدگرداول برای مقابله با تهاجمات قومی با نام چول، شهر قومس/کومش را بنا کرد. پسر او بهرام پنجم نیز پس از شکست خیونیان دژ و شهری مستحکم، بنام مرورود ساخت. بنای شهر خوارزم نیز به نرسه برادر بهرام پنجم نسبت داده شده است (شهرستان‌های ایران‌شهر، 1388: 38). هر چند نسبت‌دادن بنای خوارزم به نرسه درست به نظر نمی‌رسد، ولی احتمالاً به دلیل کوشش‌های فراوان این خانواده در مرزهای شرقی بوده و حتی لقب گور که به بهرام پنجم نسبت داده شد در زمان‌های کهن‌تر و در زبان‌های عامیانه مشرق ایران

برای پادشاه به کار می‌رفت (فرای، 1392: 244). پس از ساخته شدن مرورود، امنیت جاده‌هایی که از مرو و بلخ به هرات می‌رفت، در برابر تهاجمات هپتالیان برقرار شد (برونر، 1393: 178). بنای شهرستان یزدگرد توسط یزدگرد دوم برای مقابله با صحراگردانی بوده که بسیاری از شهرهای شرقی ایران را ویران ساخته بودند (مارکوارت، 1373: 117). با هجوم هپتالیان اهمیت شهر مرو به عنوان پاسگاهی مرزی دو چندان شد و در اواخر دوره ساسانی توان دفاعی آن با ساختن استحکاماتی چون ساسانگرد و خسروشاه افزایش یافت (برونر، 1393: 178). شاهنشاه پیروز، شهرها و استحکاماتی در مرزهای شرقی بنا کرد؛ از جمله نزدیک گرگان شهری ساخت با نام روشن فیروز و پس از او بلاش در مدت کوتاه سلطنتش در نزدیکی مرو شهری با نام بلاشگرد بنا کرد (ثعالبی، 1368: 375). البته حمزه اصفهانی مکان روشن فیروز را در مرز هند و در کنار شهر دیگری با نام رام فیروز ذکر می‌کند که هر دو از ساخته‌های پیروز می‌باشند (اصفهانی، 1346: 53).

در شمال، تهاجم از مرزهای شمالی و ناحیه قفقاز صورت می‌گرفت (تصویر 5) و پدید آمدن دیوار معروف دربند دست کم نتیجه تلاش‌های شاپوردوم در بیرون‌راندن مهاجمان و بنای استحکاماتی در شمال بوده است (فرای، 1392: 238). مسعودی بنای دیوار دربند را به یزدگرد اول نسبت می‌دهد (مسعودی، 1382: 257). بنای شهر سوق‌الجیشی قزوین به منظور تقویت خطوط دفاعی شمال را نیز به شاپور دوم نسبت می‌دهند (کولسنیکف، 1389: 184). شهر سمنان نیز از اواخر سده چهارم میلادی به عنوان مرکز دفاعی کلیدی در برابر تهاجمات هون‌ها بود و توسط یزدگرد دوم به پایگاهی جهت پشتیبانی خطوط دفاعی مرزی در برابر تهاجمات هون‌ها تبدیل شد (برونر، 1393: 175). شاهنشاه پیروز برای امنیت بخشیدن به این ناحیه در کرانه غربی دریای خزر و در ناحیه آذربایجان شهری با نام شهرام پیروز پی‌افکنند (ثعالبی، 1368: 371). پس از صلح قباد با قیصر روم و آرامش در مرزهای غربی، او به دفع مهاجمان از مرزهای قفقاز پرداخت. شاه شهر پرتو در این ناحیه را تبدیل به دژی مستحکم کرد و آن را پیروزقباد نامید (کریستن سن، 1368: 471). خزرها گاهی تا شهر دینور را مورد تاخت‌وتاز خود قرار می‌دادند و قباد برای تقویت نیروی دفاعی، چند شهر را با نام‌های بیلقان، بردعه و خزر در این ناحیه بنا کرد و بین سرزمین شروان و باب‌اللان را با دیواری از خشت

استوار ساخت (بلاذری، 1367: 280). این ناحیه استان بلاسگان نام داشت و از گیلان تا دربند را شامل می‌شد و اقدامات قباد زمینه را برای ساخت استحکامات خسرو اول در دربند به‌وجود آورد (برونر، 1393: 171). خسرو انوشیروان دژها و ساختمان‌هایی را در گستره گرگان ساخت و بدین ترتیب مرزهای آن منطقه را امنیت بخ‌شید (ابن‌اثیر، 1383: 55). ساخت و توسعه شهرهای جدید توسط شاهنشاهان ساسانی در مکان‌هایی جهت افزایش تمرکز قدرت و توان دفاعی، باید به گونه‌ای می‌بود که دسترسی زیستگاه‌های جدید به منابع حیاتی مانند آب یا خاک مناسب برای کشاورزی فراهم باشد. همچنین دسترسی بین شهرهای مختلف به منظور حمل‌ونقل کالا یا در مواقع لزوم سپاهیان به خصوص در شهرهای مرزی اهمیت داشت. بدین منظور، شاهان ساسانی با ساخت سازه‌های آبی مانند نهرها، سدها یا پل‌ها علاوه بر تأمین آب مورد نیاز، دسترسی به نقاط مختلف امپراتوری را فراهم می‌ساختند.

### 1-3. سازه‌های آبی

تشکیل حکومت مقتدر مرکزی، نیازمند سپاهی ثابت و سازمان‌یافته و مستلزم منابع مالی کافی بود. منابع مالی و اقتصاد دولت ساسانی به شدت به کشاورزی وابسته بود و تمرکز دولت برای بهره‌برداری از مازاد محصولات کشاورزی ضرورت توجه به سازه‌های آبی مانند پل‌ها، سدها، آبراه‌ها و قنات را ایجاد کرد (Gyselen, 1997: 105). ایجاد سازه‌های آبی افزون بر افزایش محصولات کشاورزی مزایای دیگری نیز برای ساسانیان در رابطه با شهرها داشت و باعث ایجاد خطوط ارتباطی و نظارت بر محل‌های آمدوشد کلیدی می‌شد و در این زمان تعداد کانال‌ها و رودخانه‌ها در نقش موانع آبی دو برابر گردیدند. برای مثال سازه گرگان علاوه بر این که یک مانع بوده، آب مورد نیاز را جهت مصرف و همچنین آجرسازی از طریق یک خندق هدایت می‌کرد و همچنین خندق شاپور کاربری مشابهی داشته است (Simpson, 2017: 44). بررسی‌های میدانی و متون مکتوب گواهی می‌دهند که در زمان ساسانیان به‌ویژه در مناطق غربی و میان‌رودان تلاش‌های عظیم صورت گرفته برای شهرسازی همگام با گسترش سیستم‌های آبیاری و بهره‌برداری و وسیع از زمین‌های زیر کشت

بوده است (دریایی، 1397: 124). کاوش‌های باستان‌شناسی در دو استان حاصل‌خیز جنوبی عراق به نام شادشاپور و شادبهمن، جدول‌های منظم آبیاری را در سراسر آن منطقه آشکار ساخت (محمدی ملایری، 1379، ج 2: 108). اغلب یک سیستم پیچیده تأمین آب در مورد یکی از شهرهای ساسانی به اثبات رسیده است (Simpson, 2017: 42). در شهر اردشیرخوره نشانه‌هایی از کارهای آبرسانی اردشیر اول قابل مشاهده است و منابع مکتوب بیان می‌کنند که اردشیر در آنجا چهارجوی آب روان کرد (کارنامه اردشیربابکان، 1369: 187). البته او قبل از استقرار شهر، دره با تالاقی اردشیرخوره را با بازکردن مجراهایی در آن خشک کرد (اصطخری، 1340: 110؛ ابن حوقل، 1366: 48). در روایات سنتی آمده است که طرح‌های بعدی توسط مهندس مشهور او برآه صورت گرفت که هنگام کار بر روی تونل نهایی کشته شد (Christensen, 2016: 170). اردشیر اول همچنین شهر وهاردشیر را به جای سلوکیه قدیم بنا نهاد که به دلیل تغییر مسیر دجله اهمیت اقتصادی‌اش را از دست داده بود (هوف، 1392: 66). او افتخار بنیانگذاری شهر زرنگ را در زمانی که پایتخت اصلی سیستان یعنی رام‌شهرستان در اثر شکست سد تخریب گردید به خود اختصاص داد (Christensen, 2016: 229). گسترش و توسعه شهرنشینی در نواحی با منابع آبی محدود یا بدون آب سیستان موجب شد آب این نواحی از منطقه طاق و بالاتر تا خاش‌رود توسط کانال‌های بزرگ آبرسانی از هیرمند تأمین شود که بلاذری در شرح فتوحات مسلمانان در سیستان بیان کرده است (Christensen, 2016: 234-235). ایجاد سازه‌های آبی در مرزهای شرقی و بهره‌برداری گسترده از رودخانه هریرود و مرغاب، جمعیت فراوانی در اطراف آن‌ها اسکان داد و به رونق شهرهایی مانند نسا انجامید. شاپور اول نیز شهری در این ناحیه احداث یا بازسازی کرد و پلی روی رودخانه هریرود ساخت (برونر، 1393: 176). در مجاورت کویر، در شهر قومس که امروزه دامغان نامیده می‌شود و پایگاه مهمی برای کنترل مرزهای شرقی بود، بنایی از ساسانیان به جا مانده است که آب رودخانه را میان یکصدویست نهر تقسیم می‌سازد (لسترنج، 1377: 390).

اردشیر همچنین آب‌های اصفهان را توسط مهر بن وردان قسمت کرد و در خوزستان نهرها را از رودهای آنجا جدا ساخت، از جمله ساختن نهر مسرقان که به فارسی اردشیرکان نامیده می‌شود (اصفهانی، 1346: 46). نهر مسرقان با سیراب کردن کشتزارها، زمین‌های نیشکر و درختان خرما در مسیر خود، آبش به هیچ‌وجه هدر نمی‌رفت (ابن حوقل، 1366: 25). این نهر به حمل‌ونقل منطقه نیز کمک می‌کرد و شوشتر را به اهواز متصل می‌کرد (اصطخری، 1340: 90). نهر مسرقان از روستاگ قباد که بعدها عسکر مکرّم خوانده شد، به اهواز سرازیر می‌شد. نمونه قابل ذکر دیگر، ارتباط شهر هرمزداردشیر با شوش و رامهرمز است که با ایجاد پلی بر روی نهر شور برقرار شد (برونر، 1393: 156-157). سازه‌های آبی و توسعه زیستگاه‌های انسانی در استان فارس مشتمل بر ساخت چندین سد کوچک در مسیر رودخانه کر و رودهای فرعی آن بود. بقایای آب‌انبارهای بی‌شماری از دوره ساسانی در مسیر سیراف به شهرهای فیروزآباد، فسا و دارابگرد قابل مشاهده است (Christensen, 2016: 166-171). نقشه بندرسیراف وجود طرح‌های زهکشی و لوله‌های فاضلاب را نشان می‌دهد (Daryae, 2003: 6-7). کارهای آبیاری در شهر بی‌شاپور که توسط شاپور اول در کنار رودخانه‌ای کوچک بنا شد، موجب حاصل‌خیزی منطقه و بوجود آمدن شهری با ساختمان‌ها و مقیاسی بزرگ شد (گروسی، 1388: 18-20). براساس شواهد باستان‌شناسی و مکتوب، فعالیت ساخت‌وساز و شهرنشینی به همراه آبیاری و اسکان جمعیت در موطن اصلی ساسانیان، یعنی حوضه نی‌ریز و مجاورت دریاچه مه‌ارلو گسترش یافت و منابع از فسا با وابستگی شدید به قنات سخن می‌گویند که از یادگارهای ساسانیان است (Christensen, 2016: 163).

در استان خوزستان نیز سازه‌های آبی عصر ساسانی هنوز هم قابل مشاهده است. عبور از رودخانه‌های بزرگ این استان مانند کارون، کرخه و دز به وسیله ساخت پل‌ها امکان‌پذیر شد و در این سرزمین بیشترین کانال‌ها، تونل‌ها و آسیاب‌های آبی وجود داشته است (دریایی، 1397: 134-135). جندی‌شاپور، مشتمل بر ساخت و ساز کانال‌های آبیاری بوده است که از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری ساسانیان بود. آب این شهر توسط یک ردیف پایه‌های سنگی و یک تونل تأمین می‌شد که



آب را از رودخانه دز به داخل شهر عبور می‌داد (Simpson, 2017: 29-30). سد بزرگ این شهر بر مسیر اصلی رودخانه احداث شد که به دلیل مشارکت اسیران رومی در ساخت آن به بند قیصر شناخته می‌شود (کریستن سن، 1368: پ 189-188). ساختمان این سد نه تنها در کنترل آبیاری کشتزارها و زهکشی بوده، بلکه به عنوان دروازه‌ای به شهرهای دیگر مانند دزفول عمل می‌کرده است (دریایی، 1397: 134-136). ساخت دو شهر دیگر در جنوب به شاپور اول نسبت داده شده است، اولی شاد شاپور در منطقه می‌شان (طبری، 1383: 592)؛ دومی حصار شاپور در کسکر و منطقه نهرالغراف که از اندازه آن روشن می‌شود که یکی از بزرگ‌ترین شهرهای میان‌رودان در زمان ساسانیان بوده است (Christensen, 2016: 68-69). پیروز شاپور نیز در دهانه نهر عیسی بر کران فرات قرار گرفته بود و در انتهای دیگر آن شهر عکبرا توسط شاپور اول بازسازی و بزرگ شاپور نامیده شد (برونر، 1393: 164). عکس‌های هوایی از شهر بزرگ شاپور، بقایای یک کانال بزرگ را نشان می‌دهند که احتمالاً در ارتباط با بنای شهر ساخته شده یا این که جریان گسترش کانال‌ها به سمت جنوب دشت سیلابی میان‌رودان را متذکر می‌شود (Christensen, 2016: 69).

بررسی‌های باستان‌شناسی ثابت کرد که حیات شهر نظامی ایوان کرخه از بناهای شهری مربوط به زمان شاپوردوم، مانند جندی شاپور به شدت وابسته به نظام‌های مدیریت آب بوده است (آلت‌هایم و اشتیل، 1391: 26). به گفته حمداله مستوفی خرابه‌های شهر رستم‌گواد در کنار نهر مسرقان توسط شاپوردوم بازسازی شد و برج شاپور نام گرفت که در دو طرف نهر مذکور گسترش یافت (لسترنج، 1377: 255). در واقع، شهرها و جمعیت استان خوزستان به همراه زمین‌های کشاورزی حاصل‌خیز خود در کران رودخانه پهنانور و پر آب این سرزمین و همچنین شبکه‌ای از نهرها متمرکز بود که در دوره ساسانی توسعه یافته بود (برونر، 1393: 156).

در روایات سنتی آمده است که شاپوردوم پس از بنای شهرها به کندن قنات‌ها و بستن پل‌های بزرگ و کوچک از جمله ساختمان پلی بر روی دجیل میان بغداد و تکریت و پل ارّجان در استان فارس اقدام می‌کند و به این منظور گچ را به وسیله کشتی‌ها و ارابه‌ها از روم وارد می‌کند (ثعالبی، 1368: 337-338). بقایای یک سد بزرگ در قوت‌آباد در 20 کیلومتری شمال جهرم به چشم می‌خورد که دقیقاً

به پادشاهی شاپوردوم باز می‌گردد. در فارس جنوبی ساخت سازه‌های آبی موجب گسترش شهرنشینی با انگیزهٔ ملاحظات نظامی بوده تا احتمالاً به وسیلهٔ توسعهٔ کشاورزی درآمد سربازان تأمین شود و این فر ضیه سازی براساس وجود بقایای بسیاری از آب‌انبارها و سدهای ذخیره سازی آب صورت گرفته است (Christensen, 2016: 165-166). قباد در مرز فارس و خوزستان شهر به‌ازامیدقباد را بنا کرد که معمولاً آن را ارگان/ارجان می‌خوانند (طبری، 1383: 639). ظاهراً بنای شهر مربوط به سازه‌هایی است که شاپوراوول در این منطقه روی رودخانهٔ تاب ساخت که امروزه مارون نامیده می‌شود. او همچنین کانال‌هایی حفر کرد که شاید آب را برای شهر ریواردشیر که در مجاورت آن قرار داشت تأمین می‌کرد (Christensen, 2016: 173-174). در قم به وجود کاریزها و نه‌های بسیاری از زمان ساسانیان اشاره می‌شود که پس از حملهٔ اعراب دوباره بازسازی شده‌اند (قمی، 1361: 41).

اهمیت مالکیت و طرز استفاده از منابع آبی در این دوره چنان افزایش یافته بود که دیوانی با نام دیوان آب تأسیس شد و کار آن نظارت و سرپرستی امور آبی مانند ساخت بندها، سدها و ثبت نقل و انتقال منابع آبی بوده است (محمدی ملایری، 1379، ج 5: 142-143). طرح‌ها و سازه‌های آبی بنا شده مستلزم نگهداری و مراقبت‌های ویژه مانند، لایروبی منظم نه‌ها و کنترل مقدار آب آن‌ها بود تا امکان بهره‌برداری از آن‌ها در فصل تابستان نیز فراهم شود (برونر، 1393: 175)؛ اما دستیابی به آبیاری مداوم به وسیلهٔ گسترش نه‌ها و پیش‌نیازهای فنی آن مانند خاکریزها و دریچه‌های سد امکان‌کاشت محصولات با دورهٔ رشد طولانی‌تر را فراهم کرد که در برخی از فصول سال امکان دستیابی به آنان وجود نداشت و ظاهراً شهرنشینی در رابطه با تقاضا برای چنین محصولات تجملی افزایش یافته است (Christensen, 2016: 71). بسیاری از محققان بر تراکم و تعداد نسبتاً بالای سکونت‌های بزرگ ساسانیان و شواهدی برگرفته از سیستم‌های مدیریت آب بین سرزمین‌های جنوب غربی ایران و میان‌رودان تأکید کرده‌اند (Simpson, 2017: 37). یکی از بزرگ‌ترین این طرح‌ها، گسترش مجموعهٔ عظیم قطول الکسروی (نهروان) از طریق حذف عوارض زمین‌شناختی و

برنامه‌ریزی منظم بود و هر چند ساخت آن به خسرو اول نسبت داده می‌شود، ولی حداقل بخشی از آن ممکن است قبل از انوشیروان و با اسکان سواره‌نظام توسط قباد اول در منطقه نهروان اجرا شده بود (Christensen, 2016: 70). کانال مذکور بزرگ‌ترین آبراهه دست‌ساز دنیای قدیم بوده، انشعابات متعدد آن اراضی شرق دجله یعنی استان‌های شادهرمز، شادقباد و بازیگان خسرو را سیراب می‌کرد (محمدی‌ملایری، 1370، ج 2: 243). در اواسط قرن 6 م. جلگه میان‌رودان به همراه دشت‌های خوزستان، شبکه‌ای از آبراه‌ها و کانال‌های آبیاری را شامل می‌شدند که کاربرد دوگانه دفاعی و حمل‌ونقل داشتند و ایجاد طرح‌های آبرسانی دیگر در داخل فلات ایران، موجب به‌وجود آمدن نواحی پرجمعیت و تولیدکننده محصولات کشاورزی از جمله در اطراف اصفهان، مرودشت و حوضه خشک پایینی رودخانه هیرمند گردید (هاوارد-جانستون، 1392: 158-159). بدین ترتیب توسعه سازه‌های آبی در دوره ساسانیان افزایش چشم‌گیری یافته بود که گسترش و حفظ آن مستلزم وجود افراد ماهر و نیروی انسانی کافی بود. جابه‌جایی‌های جمعیتی که به این منظور انجام می‌گرفت، کوچ‌ها یا تبعیدهای اجباری، به دلیل عواملی مانند جنگ‌ها یا خشکسالی موجب به‌وجود آمدن سکونت‌گاه‌های جدید می‌گردید.

#### 4-1. عوامل جمعیت‌شناختی

شهرسازی بخشی از برنامه‌های اصلاحی ساسانیان برای تمرکز قوا و افزایش منابع مالی دولت بود. رقابت با مدعیان داخلی و هجوم بیگانگان مراکز شهری جدید را به‌وجود آورد و ساخت سازه‌های آبی امکان کشت و زرع، دسترسی به منابع آبی و ارتباط شهرها را فراهم کرد. جابه‌جایی جمعیت‌ها هنگام تأسیس شهرهای جدید صورت می‌گرفت. منابع به انتقال جمعیت‌ها اشارات فراوانی کرده‌اند و در واقع، رشد جمعیت شهری بخش مهمی از آیین کشورداری ساسانیان به منظور افزایش منابع مالی دولت بوده است (Simpson, 2017: 21). افزایش منابع مالی تنها از طریق کشاورزی انجام نمی‌گرفت. برای نمونه چندین شهر مهم در ساحل خلیج فارس شامل ماه‌روبان، سینیز، جانابه/گناوه و البته سیراف، در محل‌هایی واقع شده‌اند که آب کم یا شرایط خیلی بد برای کشاورزی وجود داشت و

در آن‌جا فعالیت‌هایی نظیر صیدمروارید، بازرگانی و کشتیرانی و نیز تولید منسوجات از جمله پارچه طراز صورت می‌گرفت (Christensen, 2016: 174). فسا، جهرم و دارابگرد از مراکز مهم قالی بافی بودند و بندر گناوه با مرواریدهایش مشهور بود (Daryae, 2003: 3). همچنین سا سانیان برای توسعه صنایع نظیر نساجی، شیشه‌گری، فلزکاری و غیره نیاز به یک نیروی کار شهرنشین بزرگ داشت (دریایی، 1397: 125). جمع زیادی از این تولیدکنندگان و پیشه‌وران مسیحیانی بودند که به شهرهای نوینباد منتقل می‌شدند که یکی از دلایل گسترش مسیحیت در میان ایرانیان نیز بود (پیگولوسکایا، 1387: 346-347).

برنامه شهرسازی ساسانیان و کوچ‌های اجباری، ورود جمعیت از سایر نقاط به داخل ایران و در نتیجه افزایش جمعیت را در پی داشته است (Daryae, 2003: 2). شهرها به ایجاد درآمد برای دولت از طریق تولیدات و کسب مالیات کمک می‌کردند و باید دارای جمعیت قابل توجهی بوده باشند، هرچند اندازه‌های جمعیت را با دشواری می‌توان به طور قابل اطمینانی برآورد کرد (Simpson, 2017: 43). برای مثال یک منبع چینی در قرن هفتم جمعیت تیسفون را بیش از یکصد هزار خانواده بیان می‌کند (دریایی، 1397: 132). با بزرگتر شدن شهرها از جمله تیسفون و وهارد شیر در دو سوی دجله، جمعیت و ثروت میان‌رودان افزایش یافت (هاوارد-جانستون، 1392: 155). تلاش‌های ساسانیان در جلگه خوزستان به طور برجسته‌ای اسکان جمعیت را در این ناحیه متحول ساخت (Simpson, 2017: 22). ظاهراً به این دلیل که فعالیت‌های آبرسانی برای بهره‌برداری بیشتر از زمین‌های حاصلخیز جلگه خوزستان و میان‌رودان به نسبت سایر نواحی چشمگیرتر بوده است. ساخت و نگهداری از سیستم‌های آبیاری نیازمند نیروی کار بزرگی بود و نیروی انسانی لازم توسط جابه‌جایی‌های جمعیتی تأمین می‌شد که اسیرگیری نوعی از آن بود. در آغاز، احداث شهرهای ساسانی توسط اسیران و استفاده از نیروی کار آنان صورت می‌گرفت (نامه‌تنسر، 1397: 88). اسیران معمولاً برای آبادانی شهرها و گسترش کارهای کشاورزی به نواحی کم‌جمعیت کشور فرستاده می‌شدند (کریستن سن، 1368: 304). افزون بر ساخت استحکاماتی نظیر دژها و دیوارهای دفاعی،

ساخت حدود بیست پل و سد معروف را می‌توان اکثراً به اسیران رومی نسبت داد (ویسهوفر، 1393: 205). باید فرض کرد که اردشیر بابکان برای عملیات ساختمانی خود از جمله طرح‌های عظیم زهکشی و آبیاری، تقسیم و توزیع زمین، گروهی از کارشناسان متخصص در نقشه برداری، سنگ‌تراشی و مهارت ساختمانی را از سراسر ایران یا حتی خارج از کشور گرد آورده بود (هوف، 1392: 65). بدین سان، به قدرت رسیدن ساسانیان منجر به تغییرات جمعیتی در بخشی از قلمرو ایشان گردید.

در کتیبه کعبه زردشت شاپوراول، به اسیرانی اشاره می‌شود که شاپور در استان‌های مختلف ایران مانند پارس، پارت و خوزستان اسکان داده است (عریان، 1392: 71). شهر جندی‌شاپور با پذیراشدن جمعی از صنعتگران و پیشه‌وران رومی، خیلی زود به یک مرکز فرهنگی-علمی با یک دانشگاه تبدیل شد که بعدها نیز از شهرت فراوانی در ابریشم‌بافی برخوردار شد (ویسهوفر، 1393: 205). همچنین شاپوراول در حصارشاپور، واقع در کسکر، مردمانی از شرق را اقامت داد که بدون شک قومی بودند که ایرانیان با ضمانت کنترل سیاسی و نظامی شهر را به آن‌ها سپرده بودند (Christensen, 2016: 69). با در نظر داشتن این نکته که شاپوراول در سال 260 م. سی‌وشش شهر را تصرف کرده بود، احتمالاً جمعیت قابل ملاحظه‌ای در شهرها اسکان داده شد که منجر به انتقال دانش رومیان، بهبود زیر ساخت‌ها و شکوفایی اقتصادی گردید (وینتنر و دیگناس، 1398: 212-214). شاپوردوم برخی از قبایل عربی را که نواحی اردشیرخوره و کرانه‌های فارس را مورد تاخت و تاز قرار داده بودند، در شهرهای ایران سکونت داد، از جمله قبیله بنی‌تغلب را در دارین نزدیک نیشابور، عبدالقیس را در هجر/بحرین، بکرین‌وائل را در کرمان، قبیله بنی‌حنظله را در توج (نزدیک کازرون امروزی بر سر راه گناوه) و بسیاری از سران آن‌ها را در شهر پیروز شاپور اسکان داد (تعالبی، 1368: 338-339). او عمل مشابهی را با اسیران رومی انجام داد و آنان را در شهری که در نزدیکی شوش بنا کرده بود اسکان داد و آن‌جا را ایران‌شهرشاپور نامید (این‌اثیر، 1383: 460). این شهر در برخی منابع کرخ‌شوش یا کرخاده‌لادهن نیز آمده است که در بالای رودخانه کرخه جا گرفته بود. شماری دیگر از اسیران رومی نیز در شهر نهر تیرگ/نهر تیری ساکن شدند (برونر، 1393: 156). این اسیران در

این شهرها بافتن جامه‌های ابریشمی و خز را رواج دادند (ثعالبی، 1368: 339). یزدگرداول نیز به منظور تسلط بیشتر بر مناطق شرقی، جمعیتی از پهلویان را در شهر تازه تأسیس کومش اسکان داد (مارکوارت، 1373: 145). به نظر می‌رسد پهلویان، مردمان ساکن در سرزمین‌های موروثی خاندان اشکانی بوده‌اند، مانند ری. اشراف ارمنستان که در زمان یزدگرد دوم اسیر شده بودند، به فرمان شاهنشاه پیروز جهت خدمت در سواره نظام هرات، به آنجا منتقل شدند (Pourshariati, 2008: 71). اقدامات شهرنشینی ساکنان در نواحی خالی از سکنه و نامساعد جنوب و شرق فیروزآباد و فسا توسط شواهد باستان‌شناسی تأیید می‌شود (Christensen, 2016: 163). برای مثال مهرنرسه یکی از سرداران بهرام پنجم، فراشبند در 50 کیلومتری غرب فیروزآباد را مسکونی نمود و افزون بر ساخت چهار آتشگاه که بقایای آن‌ها هنوز هم قابل مشاهده است، به کاشت درختان زیتون، نخل و سرو هر کدام به تعداد 12 هزار نهال اقدام کرد (Christensen, 2016: 171). قباد اول نیز پس از تصرف شهر آمیدا، ساکنان آن را به شهری که تازه ساخته بود با نام به‌ازامیدقباد کوچ داد و این شهر پنجمین بخش ایالت فارس شد (شهرستان‌های ایران شهر، 1388: 21). این شهر را حمزه اصفهانی ارگان یا ارجان نامیده است (اصفهانی، 1346: 55).

خسرو انوشیروان در ناحیه مدائن، شهری به نام وه‌اندیوخسرو ساخت و اسیران رومی را پس از فتح انطاکیه در سال 542 م. در آنجا ساکن کرد (یعقوبی، 1382: 203). وارد شدگان بعدی به شهر شامل اسیرانی از لشکرکشی سالم، 573 بود که برطبق روایت «جان افسوسی» کمتر از 292 هزار نفر از دارا، آپامیا و دیگر شهرهای سوریه کوچانده شدند؛ در حالی که ارقام ممکن است دقیق نباشند، ولی آن‌ها درکی را که معاصران خسرو از نفی بلدهای او داشتند بازتاب می‌دهند (Christensen, 2016: 70). شهر نشوی (نخجوان)، قلعه‌ها و دژهایی پس از آزادسازی قسمت‌هایی از سرزمین ارمنستان از دست رومیان توسط خسرو انوشیروان در این منطقه بنا شد و در آنجا دلیرانی از قوم سیاسیجان اسکان داده شدند؛ افزون بر آن ساخت شهر سغدبیل در گرجستان امروزی و اسکان اقوامی از سغدیان و پارسیان در آنجا به خسرو اول نسبت داده می‌شود (بلاذری، 1367: 281). قوم

بارز نیز که در مناطق کوهستانی کرمان ساکن بودند، پس از به انقیاد درآمدن توسط خسرو به خدمت سربازی مجبور و در نقاط مختلف کشور ساکن شدند، هم چنان که قوم چول جهت خدمات نظامی به شهر شهرام‌پیروز انتقال داده شدند (کریستن‌سن، 1368: 49).

### نتیجه

این پژوهش چهار عامل زیربنایی تمرکز قدرت، هجوم بیگانگان، سازه‌های آبی و عوامل جمعیت‌شناختی را به عنوان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شهرهای ساسانی مورد بررسی و مذاقه قرار داد. پس از سقوط اشکانیان، بنیان‌گذاران نظام جدید پادشاهی ساسانیان جز با انجام اصلاحات سیاسی میسر نبود و شهرها به عنوان بخشی از نظام سیاسی و کشورداری ساسانیان از این امر تأثیر پذیرفته، مورد توجه شاهان این سلسله قرار گرفتند. شاهی بر این ادعا کتیبه کعبه زردشت شاپوراول است که در آن اسامی شهرها و فرمانروایان آن‌ها، به وجهی ذکر شده که همگی تحت سلطه و نظارت شاپور بوده‌اند. این مطلب نشان می‌دهد که نقش شهرها به جهت گسترش سلطه سیاسی و رقابت با مدعیان سلطنت در دوره ساسانی بسیار با اهمیت بوده است. این مهم را می‌توان در دوره‌ای از بنای شهر اردشیرخوره توسط اردشیربابکان تا سده پایانی حکومت ایشان و بنای شهر خسروشاهرمز توسط خسروانوشیروان مشاهده کرد. افزون بر این، قرارگرفتن ایرانشهر بر گذرگاه شرق و غرب ایجاد می‌کرد تا مرزهای کشور با ساختن شهرها و گماردن نمایندگان مورد اعتماد استحکام پذیرد. این مسئله باعث شکل‌گیری شهرهایی در نقاط مرزی کشور گردید. سیاست رشد و توسعه شهرنشینی که توسط اردشیراول و جانشینان او اعمال شد، افزون بر این که تسلط آنان را بر سرزمین پهناور ایران با اقلیم‌های متفاوت گسترش داد، همچنین موجب تقویت هرچه بیشتر ساختارهای سیاسی-اجتماعی شهرها شد. از دیگر سوی، موقعیت برخی از این شهرها در نقاطی بود که به منظور آبرسانی و تأمین دسترسی آن‌ها به نقاط دیگر لازم بود تا سازه‌های آبی در آن‌جا ساخته شود و همین امر در مورد شهرهایی که از پتانسیل بالقوه‌ای برای کشاورزی برخوردار بودند، صدق می‌کرد. بدین سان، از طریق گسترش سیستم‌های آبیاری و بنیاد شهرهای جدید، دستیابی به مازاد تولید و ایجاد درآمد بیشتر برای

دولت فراهم آمد. شهرها از لحاظ تأمین منابع مالی مورد توجه ساسانیان قرار گرفتند و صنایع، تجارت و کشاورزی در آن‌ها رو به گسترش نهاد. گسترش صنایع گوناگون در شهرها و همچنین ایجاد و نگاه‌داری سازه‌های آبی، مستلزم بکارگیری افراد متخصص و ماهر در این زمینه بود که اغلب از طریق کوچاندن جمعیت‌ها یا اسیرگیری از دیگر کشورها تأمین می‌شد. گاهی نیز این جمعیت‌ها، با ساخت شهرهایی در نواحی خالی از سکنه که دست‌رسی به منابع آبی در آن‌جا مشکل بود، نظیر شهرهای فارس جنوبی و سواحل خلیج فارس به منظور گسترش سلطه سیاسی ساسانیان یا انجام فعالیت‌های دیگری مانند بازرگانی و تجارت اسکان داده می‌شدند.

### فهرست منابع و مطالعات

- ابن اثیر، علی بن محمد (1383)، تاریخ کامل، ترجمه سید محمدحسین روحانی، تهران، انتشارات اساطیر.
- ابن حوقل، محمدبن علی (1366)، سفرنامه: ایران در صوره‌الارض، ترجمه جعفر شعار، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- اشرف، احمد (1353)، ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، مطالعات جامعه‌شناختی، شماره 4، صص 49-7.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (1340)، مسالک و ممالک، ترجمه فارسی از قرن 6/5 ه. به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اصفهانی، حمزه‌بن حسن (1346)، سنی ملوک‌الارض والانبیاء، ترجمه جعفر شعار، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- آل‌هایم، فرانتس و اشتیل، روت (1391)، تاریخ اقتصاد دولت ساسانی، ترجمه هوشنگ صادقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- برونر، کریستوفر (1393)، «تقسیمات جغرافیایی و اداری: ماندگاه‌ها و اقتصاد»، گردآورنده: احسان یارشاطر، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه حسن انوشه، جلد سوم، قسمت دوم، چاپ ششم، تهران، انتشارات امیرکبیر، 188-149.
- بلاذری، احمدبن یحیی (1367)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره.
- پیگولوسکایا، نینا ویکتوروونا (1387)، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌اله رضا، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.



ثعالی نیشابوری، عبدالملک بن محمد (1368)، غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم، ترجمه محمد فضائی، تهران، نشر نقره.

حبیبی، سیدمحسن (1397)، از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن: تفکر و تأثر، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

دریایی، توج (1397)، جهان ساسانی: مقالاتی درباره تاریخ ایران‌شهر، ترجمه مهناز بابایی، تهران، انتشارات فروهر.

دریایی، توج و رضاخانی، خداداد (1397)، از جیحون تا فرات: ایران‌شهر و دنیای ساسانی، ترجمه مریم بیچوند، تهران، انتشارات مروارید.

سلطان‌زاده، حسین (1390)، تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران، تهران، انتشارات چهارطاق.  
سلوود، دیوید (1392)، «دولت‌های کوچک جنوب ایران»، گردآورنده: احسان یارشاطر، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه حسن انوشه، جلد سوم، قسمت اول، چاپ هفتم، تهران، انتشارات امیرکبیر، 401-427.  
شهرستان‌های ایران‌شهر (1388)، آوانویسی، ترجمه فارسی و یادداشت‌ها از توج دریایی، ترجمه شهرام جلیلیان، انتشارات توس.

طبری، محمدبن جریر (1383)، تاریخ‌الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم، تهران، انتشارات اساطیر.

عریان، سعید (1392)، راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه پهلوی - پارتی، تهران، انتشارات علمی.  
فرای، ریچاردنلسون (1392)، «تاریخ سیاسی ایران در دوره ساسانیان»، گردآورنده: احسان یارشاطر، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه حسن انوشه، جلد سوم، قسمت اول، چاپ هفتم، تهران، انتشارات امیرکبیر، 276-217.

فرخ، کاوه (1392)، سواره‌نظام زبده ساسانی، ترجمه میثم علیئی، تهران، انتشارات امیرکبیر.  
قمی، حسن بن محمد (1361)، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، تصحیح سیدجلال الدین تهرانی، تهران، انتشارات توس.

کارنامه اردشیر بابکان (1369)، به اهتمام محمدجواد مشکور، تهران، دنیای کتاب.  
کریستن سن، آرتورامانوئل (1368)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب.  
کولسنیکف، الی ایوانوویچ (1389)، ایران در آستانه سقوط ساسانیان، ترجمه محمدرفیق یحیایی، تهران، انتشارات کندوکاو.

گروسی، رضا (1388)، پیکره شاپور اول: در زمینه سنگ‌تراشی و تندیس‌گرایی ساسانیان، تهران، نشر ماهی.

- لسترنج، گای (1377)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، چاپ پنجم، انتشارات علمی و فرهنگی.
- لوکونین، ولادیمیر گ. (1393)، «نهادهای سیاسی، اجتماعی و اداری، مالیاتی و دادوستد»، گردآورنده: احسان یارشاطر، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه حسن انوشه، جلد سوم، قسمت دوم، چاپ ششم، تهران، انتشارات امیرکبیر، 71-148.
- مارکوارت، یوزف (1373)، ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- محمدی ملایری، محمد (1379)، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، چاپ دوم، تهران، انتشارات توس.
- مسعودی، علی بن حسین (1382)، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مهرآفرین، رضا (1393)، شهرهای ساسانی، تهران، انتشارات سمت.
- نامه تنسر به گشنسب (1397)، به تصحیح مجتبی مینوی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
- نفیس، سعید (1388)، تاریخ تمدن ایران ساسانی، تهران، شرکت مطالعات نشر کتاب پارسه.
- ویسهوفر، یوزف (1393)، ایران باستان: از 550 پیش از میلاد تا 650 پس از میلاد، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات ققنوس.
- ویتنر، انگلبرت و دیگناس، بئاته (1398)، روم و ایران: دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی، ترجمه کیکاوس جهاننداری، چاپ سوم، تهران، نشر فرزانه روز.
- هاوارد-جانستون، جیمز (1392)، «دولت و جامعه در ایران اواخر عهد باستان»، *ساسانیان*، ویراستاران: وستا سرخوش کرتیس و سارا استوارت، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، نشر مرکز، 150-167.
- هوف، دیتریش (1392)، «شکل‌گیری و ایدئولوژی دولت ساسانی از روی شواهد باستان‌شناختی»، *ساسانیان*، ویراستاران: وستا سرخوش کرتیس و سارا استوارت، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، نشر مرکز، 40-75.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (1356)، البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، انتشارات نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (1382)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، جلد اول، چاپ نهم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- یوسفی فر، شهرام (1390)، جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی دوره سلجوقیان، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

---

**References**

- Canepa, M.P.** (2009). *Two Eyes of the Earth: Art and Ritual of Kingship between Rome and Sasanian*, University of California press.
- Christensen, P.** (2016). *The Decline of Iranshahr*, trans. from Danish by S. Sampson, I.B. Tauris & Co Ltd, London. New York.
- Daryaee, T.** (2003). "The Persian Gulf Trade in Late Antiquity", *Journal of World History*, vol. 14, no.1, p. 1-16.
- Frye, R.N.** (ed.), (1973). *Sasanian Remains from Qasr-i Abu Nasr, Seals, Sealings, and Coins*, Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Gyselen R.** (2012). «Le Tabaristan : lieu de Mémoire Sassanide», in *Objets et documents inscrits en pārsīg*, *Res Orientales XXI*, R. Gyselen (ed.), Bures-sur-Yvette, Groupe pour l'Étude de la Civilisation du Moyen-Orient, Paris, p. 109-121.
- Gyselen, R.** (1997). "Economy IV. in the Sasanian period", in *Encyclopaedia Iranica*, vol. VIII/1, p. 104-107, available online at: <https://iranicaonline.org/articles/economy-iv>.
- Pourshariati, P. (2008). *Decline and fall of the Sasanian Empire*, I.B. Tauris & Co Ltd, London. New York.
- Shaki, M. (1992). "Class System iii. In the Parthian and Sasanian Periods", vol V/6, p. 652-658, available online at: <https://iranicaonline.org/articles/class-system-iii>.
- Simpson, St.J.** (2017). *Sasanian Persia: between Rome and the steppes of Eurasia*, ed. E.W. Sauer, Edinburgh University Press.
- Splendeur des Sassanides, L'empire Perse entre Rome et la Chine (224-642)**, (1993). *Musées royaux d'Art et d'Histoire de Bruxelles*, 12 février au 25 avril 1993, Bruxelles.